

مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی  
سال پنجم، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۸، ۷۹-۱۱۲

## کارکردهای انجمن‌های دوستی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

سیدمحمدجواد قربی<sup>۱</sup>

### چکیده

با تحول تعاملات سیاسی بین‌المللی و افزایش بازیگران غیردولتی در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان، کشورها نمی‌توانند نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی را در کنش‌های خارجی نادیده بگیرند و در میان این سازمان‌ها، انجمن‌های دوستی یکی از بازیگران نوظهور عرصه دیپلماسی و روابط فرهنگی محسوب می‌شوند. به همین منظور، مقاله حاضر تلاش دارد به این سوال پاسخ دهد که کارکردهای انجمن‌های دوستی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ فرضیه مقاله این است که انجمن‌های دوستی یکی از بازوهای اجرایی دیپلماسی نوین عمومی در عصر حاضر محسوب می‌شوند که کنشگری برنامه‌ریزی شده آنها می‌تواند منافع ملی کشورها را با هزینه‌های اندک تر تامین نماید. برای اثبات این فرضیه، از چارچوب مفهومی دیپلماسی فرهنگی بهره گرفته‌ایم و یافته‌ها نشان می‌دهند که انجمن‌های دوستی ایران با رعایت برخی از ملزومات در عرصه سیاست بین‌المللی می‌تواند قدرت فرهنگی ایران را ارتقاء دهند و منفعت جامعه ایرانی را در مراودات فرهنگی در نظر داشته باشند. برخی از کارکردهای انجمن‌های دوستی ایران برای توسعه دیپلماسی فرهنگی و کسب موقعیت مطلوب سیاسی و فرهنگی برای دستگاه سیاست خارجی ایران عبارت از؛ تصویرسازی مثبت از چهره ایران، گسترش تعاملات دوستانه، کمک‌رسانی به اهداف سیاسی بین‌المللی ایران، برجسته کردن میراث فرهنگی ایرانیان، همسوکردن جامعه هدف با ایده‌های فرهنگی ایران، انتقال پیام‌های سیاسی و فرهنگی، افزایش سطح صلح منطقه‌ای و جهانی، اعتمادسازی، ارتقاء همگرایی سیاسی و فرهنگی در جهان اسلام، مدیریت افکار عمومی و غیره می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** انجمن‌های دوستی، دیپلماسی سنتی و مدرن، دیپلماسی فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، اعتمادسازی، تصویرسازی ملی، پیام‌های فرهنگی و سیاسی، تعارضات بین‌المللی.

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد و عضو هیئت علمی مرکز اسناد انقلاب اسلامی

## مقدمه

مسئله مهم سیاست خارجی در دهه اخیر، بحث ارتباط کشورها با دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی است و با توجه به اینکه یکی از نمادهای توسعه یافتگی یک کشور میزان ارتباط با دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی در راستای تحقق اهداف ملی می‌باشد، دولت‌ها جهت رسیدن به اهداف عالی در عرصه بین‌المللی در کنار دستگاه دیپلماسی رسمی کشور به عنوان ارگان تنظیم روابط خارجی از سازمان‌های مردم‌نهاد با اهداف تعیین شده نیز استفاده می‌کنند، استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد کشورها در راستای اهداف اقتصادی، فرهنگی، علمی، رسانه‌ای و اجتماعی از ارکان مهم ارتباطی می‌باشد. در جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای تحقق اهداف نظام در خارج از کشور، سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی نیز همچون انجمن‌های دوستی با سایر کشورها تاسیس شده است. (مومنی، ۱۳۹۴: ۱) به عبارتی دیگر، نقش آفرینی تشکلهای غیردولتی درحقیقت تبلور حضور رسمی و سازمان یافته مردم یک کشور در روابط خارجی و روند تعاملی جامعه جهانی تلقی می‌شوند؛ از این رو انجمن‌های دوستی یکی از بازیگران مؤثر حوزه دیپلماسی عمومی به شمار می‌روند. تحولات دهه‌های اخیر در عرصه بین‌الملل نشانگر این واقعیت است که نقش انجمن‌های دوستی و نهادهای مردمی و تشکلهای غیررسمی در معادلات جهانی رو به گسترش و به موازات آن، نقش دولت‌ها در این ارتباط رو به کاستن است. از آنجائی که انجمن‌ها در دو عرصه کلیدی یعنی روابط میان ملت‌ها و محیط بین‌المللی ایفای نقش می‌نمایند حوزه فعالیت و کنشگری آنها بسیار گسترده و وسیع ارزیابی می‌شود، نیل به مقاصد سیاسی، امنیتی و اقتصادی، همواره از مهم‌ترین اهداف کشورها در تدوین و اعمال سیاست خارجی‌شان بوده است. (شیرازی، ۱۳۹۶: ۹) بعد از توضیحات فوق‌الذکر، در این مقاله تلاش می‌شود با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات کتابخانه‌ای به نقش انجمن‌های دوستی در توسعه دیپلماسی فرهنگی ایران بپردازیم.

## ۱. چارجوب مفهومی

### ۱-۱. دیپلماسی فرهنگی

اگر دیپلماسی را فن مدیریت تعامل با جهان خارج توسط دولتها بدانیم، ابزارها و سازوکارهای متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان به کار گرفت. از آنجا که ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی به طور سنتی سه حوزه بنیادین در مباحث سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد؛ لذا در عرف نظام بین‌الملل، سیاست خارجی کشورها با هدف تأمین منافع ملی کشور در سه حوزه پیش‌گفته طراحی و با سازوکارها و ابزارهایی از همین سه جنس عملیاتی و اجرایی می‌شود. با این همه، به باور بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران علم روابط بین‌الملل، فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی رکن چهارم سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که در بسیاری از مواقع لایه‌های زیرین سه حوزه دیگر نیز از آن منبعث می‌گردد. در ادبیات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی تعاریف مختلفی از دیپلماسی فرهنگی ارائه شده است. فرانک نینکوویچ، دیپلماسی فرهنگی را تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزشهای مشترک می‌داند. این در حالی است که بنا به تعریف گیفورد مالون، دیپلماسی فرهنگی عبارت از معماری یک بزرگراه دوطرفه به منظور ایجاد کانالهایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزشهای یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست تصاویر واقعی از سایر ملتها و فهم ارزشهای آنها است. در تعریف میلتون کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنتها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملتها و کشورها است. با برداشتی تطبیقی از وجوه مشترک این تعاریف می‌توان چنین نتیجه گرفت که دیپلماسی فرهنگی روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدنها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن است؛ به عبارت دیگر، دیپلماسی فرهنگی آن گاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته

در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می پردازد و آن را سیاست خارجی خود لحاظ کند. (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷-۱۳۶)

دیپلماسی فرهنگی فرایند موثری است که در آن فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه می شود و خصوصیات منحصر به فرد فرهنگی ملت ها در سطوح دو جانبه و چند جانبه ترویج می یابند. تاثیرگذاری فرهنگ در حوزه سیاست خارجی به حدی است که در عصر کنونی از فرهنگ به عنوان قدرت نرم در سیاست خارجی بحث می شود که عنوان دیپلماسی فرهنگی به آن می دهند و به معنای استفاده از ابزارها و مکانیسم های فرهنگی برای معرفی و انتقال فرهنگ و تمدن یک سرزمین به سرزمین و فرهنگ دیگر است. برخی از محققان دیپلماسی فرهنگی را مجموعه قواعد و ضوابط و شیوه ها و اصولی می دانند که با کمک ابزارها و روش های فرهنگی نسبت به انتقال پیام های ملی فرهنگی اقدام می شود و منافع ملی را به تحقق نزدیک می کند؛ اما فرهنگ دیپلماسی یک حالت مستمر از مجموعه باورها و قواعد و ضوابط نوشته و نانوشته در یک جامعه است که معتقد به دیپلماسی است و گفتمان را راهکار توجیه و تبیین و همچنین رفع اختلاف می داند. اهداف و مبانی دیپلماسی فرهنگی عبارتند از؛ کسب وجهه بین المللی در میان اقوام و ملت ها و اثرگذاری بر رفتار آنها، ایجاد نهادهای علمی و فرهنگی جدید به منظور برقراری روابط پایدار در بین جوامع مختلف، فهم دقیق اصول موجود در فرهنگ سایر ملت ها و کنکاش در ریشه های فرهنگی و اجتماعی دیگر جوامع با هدف ارتقاء درک متقابل میان ملت ها، شناخت سیاست های فرهنگی کشور مبدا، شناخت سیاست های فرهنگی کشور مقصد و شناخت فرهنگ به عنوان قدرت نرم. (احمدی دهکاء، ۱۳۹۷: ۱۶-۳۲)

## ۲-۱. انجمن های دوستی؛ ماهیت و عملکرد

انجمن های دوستی از سال ۱۹۶۵ میلادی با همکاری سازمان یونسکو، بروز و ظهور یافتند و همواره در روابط و مناسبات فیما بین کشورها نقش بارزی را ایفا نموده اند. این سازمان های

غیردولتی از توانایی و ظرفیت خوبی در توسعه و گسترش میان جوامع علمی و فرهنگی کشورها، روابط دوستانه و کاهش خشونت و تحکیم و تثبیت صلح برخوردارند. نهادهای فعال جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور می توانند با فراهم آوردن امکان حضور شخصیت های فرهنگی، هنری، علمی و دانشگاهی و حتی ورزشی در انجمن های دوستی و نیز افزایش مشارکت بخش خصوصی، موجبات تقویت فعالیت انجمن های دوستی و برقراری ارتباط با مخاطبین کشورهای هدف گردند و تأثیر بسزایی برجای بگذارند. تلاش در اجرای برنامه های فرهنگی مشترک موجب همبستگی بین فرهنگ ها شده و روابط دوستی و صمیمی میان مردم کشورها در چارچوب انجمن دوستی ارتقا و توسعه می یابد. (وزین، ۱۳۹۷: ۱)

«گروه های دوستی»، «گروه های دوستی بین پارلمانی» یا «گروه های دوستی و همکاری» به گروه هایی اطلاق می شود که درون کشورها تشکیل شده و نهایت تلاش خویش را در جهت ارتقای روابط میان کشورهای مختلف اعمال می کنند. هر چند این گروه ها، سخنگوی دولت خود یا حتی نمایندگان پارلمانی نیستند ولی نقش مهمی را در تسهیل و تسریع اولویت های سیاست خارجی یک کشور ایفا می کنند. (حسینی و زمانی، ۱۳۹۵: ۲)

پیش از انقلاب اسلامی، با توجه به موقعیت ایران میان کشورها و قدرت های بزرگ همسایه، حکومت وقت به منظور تعمیق و پیشبرد سیاست خارجی تعریف شده در آن زمان، اقدام به تأسیس انجمن دوستی با چند کشور از جمله اتحاد جماهیر شوروی سابق، هند و ترکیه نموده بود. این انجمن ها به اقتضای فضای سیاسی و بین المللی آن زمان ساختار دولتی داشتند و اعضای آن از میان رجال و نخبگان سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی آن دوره انتخاب شده بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با یک وقفه چند ساله، براساس مصوبه هیئت دولت در سال ۱۳۷۳ وزارت خارجه مأموریت یافت تا نسبت به تشکیل انجمن های دوستی با سایر کشورها اقدام نماید. متعاقب آن شورای معاونین وزارت متبوع، این مسئولیت را بر عهده معاونت آموزش و پژوهش قرار داد. پس از انجام بررسی های لازم، این موضوع پیگیری و

مسئولیت فراهم نمودن زمینه‌های تأسیس، فعالیت و پشتیبانی از انجمن‌های دوستی به واحدی تحت عنوان مرکز هماهنگی انجمن‌های دوستی زیر نظر معاونت آموزش و پژوهش محول گردید. با تغییر فضای سیاسی و اجتماعی کشور، از سال ۱۳۷۶ بار دیگر موضوع انجمن‌های دوستی مورد توجه مسئولین وزارت خارجه قرار گرفت و با حمایت معاون وقت آموزش و پژوهش، این مرکز فعالیت خود را در سال ۱۳۷۷ بیش‌تر نمود و در پی آن مرکز هماهنگی با جدیت بیش‌تری تشکیل انجمن‌ها را پیگیری کرد. (راوندی، ۱۳۸۵: ۱-۲) انجمن‌های دوستی، نهادهای مدنی و غیردولتی هستند که هدف آن‌ها تحکیم روابط دوستانه بین مردم دو کشور و نیز پیشبرد اهداف مشترک دو ملت است که بدین لحاظ یکی از منابع مهم قدرت نرم برای کشورها محسوب می‌شوند. انجمن‌های دوستی از توانایی و ظرفیت مناسبی در جهت گسترش پیوندهای علمی، فرهنگی، توسعه روابط دوستانه میان جوامع مختلف و تحکیم صلح و دوستی ملی و جهانی برخوردار شوند و بنابراین به نحو فزاینده‌ای در حال افزایش و توسعه کمی و کیفی هستند. این انجمن‌ها ضمن رعایت قوانین کشورها و طبق اساسنامه، فعالیت خود را در سطح ملی و بین‌المللی تعقیب می‌نمایند. (جعفری و نیکروش، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۲) در باب انجمن‌های دوستی اشاره می‌کند: «انجمن‌های دوستی، سازمان‌های غیردولتی و غیرسیاسی هستند که به صورت کاملاً غیرانتفاعی اداره شده و ضمن رعایت کامل قوانین جمهوری اسلامی ایران طبق اساسنامه موظف به فعالیت خواهند بود آنها برای تحکیم و گسترش روابط دوستانه ملتها با یکدیگر و پیشبرد اهداف مشترک در زمینه‌های فرهنگی، علمی، فنی، ادبی، هنری، اقتصادی، اجتماعی و ورزشی به وجود می‌آید. انجمن‌ها همچون مشاورانی ارزشمند برای نهادهای دولتی و سایر سازمانهای غیردولتی و بین‌المللی هستند و از توانایی، ظرفیت مطلوب برای گسترش پیوندهای علمی، فرهنگی، توسعه روابط دوستانه میان جوامع مختلف و تحکیم صلح و دوستی ملی و جهانی برخوردار هستند. ایجاد شناخت، درک و پیوند متقابل میان ملل مختلف جهان با استفاده از ارزش‌ها، تفکرات، اهداف و منافع

مشترک به منظور گسترش روابط دوستانه و هم‌ریستی مسالمت آمیز و تحکیم مبانی صلح و امنیت بین المللی. (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۸: ۱) دو ویژگی بارز انجمن های دوستی عبارت است از؛ غیردولتی بودن و غیرانتفاعی بودن. (گروه اقتصاد ایران، ۱۳۸۷: ۴۷)

در حال حاضر تعداد ۷۵ انجمن دوستی ایران نیز به طور مستقل فعالیت می کنند و طی دهه اخیر با برگزاری جشنواره های فرهنگی، هنری، با کشورهای عضو انجمن های دوستی به مناسبت های مختلف باعث تبادل های فرهنگی و رفت و آمدهای اقتصادی میان مردمان این کشورها برای فعالیت های گوناگون در ایران از جمله اقتصادی کردن صنعت گردشگری و تولید محصولات فرهنگی در ایران و به ویژه در مناطق آزاد کشور است که از مزایای ورود مستقیم اتباع خارجی به مناطق از طریق مبادی ورودی و خروجی مجاز مناطق برخوردار است. از جمله فعالیت های این انجمن ها در ایران می توان به برگزاری جشنواره های نوروزی به صورت متوالی، ایجاد غرفه برای ارائه دادن محصولات فرهنگی ایران با حضور سفیران کشورهای دیگر به منظور ترویج فرهنگ ها و گسترش ارتباطات، مراسم افطاری با حضور مقامات کشورهای مختلف، برگزاری کنسرت های هنری و موسیقی کشورهای مختلف در مجموعه فرهنگی کاخ نیاوران در راستای تبادل فرهنگی با انجمن های دوستی دیگر کشورها و بورسیه دانشجوی در دانشگاه های کشورهای مختلف اشاره کرد. (سیدان، ۱۳۹۸)

بررسی عملکرد این انجمن ها نشان می دهد که بخش عمده ای از این انجمن ها فعالیت مستمر ندارند و فعالیت های برنامه ریزی شده آنها در حوزه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... اندک است و انجمن های فعال دوستی هم تلاش دارند تا سطح مراودات اقتصادی و علمی را ارتقاء دهند و با توجه به اهمیت این انجمن های دوستی در ارتقاء قدرت فرهنگی بین المللی، این انجمن ها کمتر به فعالیت های فرهنگی، الهام بخشی و صدور ارزش های ایران می پردازند و در بعد فعالیت رسانه ای و دیجیتال نیز در بخش عمده ای از این انجمن ها ضعیف بوده و فاقد سایت ها و شبکه های اجتماعی فعال هستند.

## ۲- انجمن‌های دوستی ایران و ملزومات دیپلماسی نوین فرهنگی

از مهم‌ترین نهادهای مدنی و غیردولتی فعال در دیپلماسی، شبکه انجمن‌های دوستی ایران با سایر کشورها است. (رفسنجانی نژاد، ۱۳۹۷) انجمن‌های دوستی در عرصه دیپلماسی عمومی باید به چند نکته توجه داشته باشند؛ اولین نکته مهم در خصوص دیپلماسی عمومی این است که تصمیم‌گیرندگان سیاسی نسبت به اهمیت استراتژیک آن متقاعد شوند. این تفکر باید در اندیشه اعضای انجمن دوستی پدید آید که چگونه وجهه ملی در انظار عمومی جهان بر امنیت و منافع ملی تاثیر می‌گذارد و به میزانی که وجهه ملی تخریب گردد، منافع و امنیت ملی نیز تضعیف می‌گردد. لذا میزان اهمیت باید وجهه ملی و ضرورت اتخاذ دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای به سطح نگرش استراتژیک نخبگان در انجمن‌های دوستی راه یابد. در دیپلماسی عمومی و فرهنگی همواره سوژه در محیط فرهنگی متفاوتی زندگی می‌کند و به ارزشهای متفاوتی معتقد و با آنها مانوس است و فعالیت انجمن‌های دوستی، بدون توجه و بذل احترام به ارزش‌های مورد قبول جامعه هدف انکان پذیر نبوده و ارائه ارزشهای مورد قبول اعضای انجمن دوستی به عنوان یکی از بازوهای نوین دیپلماسی فرهنگی و عمومی نیز امکان پذیر نیست. به عبارتی، نمی‌توان ارزش‌های دیگران را سراسر رد نمود و انتظار پذیرش ارزش‌های خود را از آنها داشت. لاجرم، باید به این امر توجه داشت که دیپلماسی رسانه‌ای و عمومی کارآمد یک خیابان دوطرفه است که شامل شنیدن و گفتن است. همه اطلاعات از ابتدا فیلترهای فرهنگی عبور می‌کنند و سپس پذیرفته می‌شود. بنابراین فهم هدف مخاطب و کشف ارزش‌های مشترک در کنشگری انجمن‌های دوستی حایز اهمیت است. یکی از عوامل موفقیت دیپلماسی عمومی توسط انجمن‌های دوستی، هماهنگی بین بخش‌های فعال و مؤثر در سیاست خارجی و تمرکز در تصمیم‌گیری است. حتی ضرورت هماهنگی در خصوص نهادهای داخلی نیز صادق است؛ چرا که امروزه همه کشورها زیر ذره بین قرار دارند و هرگونه خبر منفی در خصوص آنها در سطح وسیعی پوشش داده می‌شود. دیپلماسی



عمومی، عامه مردم را هدف قرار می دهد. لذا این فرایند توسط انجمن های دوستی باید از طریق ابزارهایی صورت پذیرد که بیشترین مخاطب عام را دارند: از قبیل شبکه های تلویزیونی، روزنامه های فراملی که قدرت جذب مخاطبان بالایی را دارند و همچنین سایت های اینترنتی، زمین های ورزشی ورزشهای پرطرفدار و غیره. اما یک شیوه مفیدتر در این میان، هدف قرار دادن نخبگان فرهنگی و کسانی است که خود بر جامعه تأثیرگذارند. اگر اعضای انجمن دوستی بتوانند بر نخبگان و شخصیت های تصمیم ساز در جامعه هدف تاثیر بگذارند، این عوامل در ایجاد یک تصویر خوشایند از کشور نقش مهم ایفا می کنند. (متقی و شایسته، ۱۳۹۶: ۴۱-۴۰)

### ۳- انجمن های دوستی و کسب منافع ملی

دیپلماسی فرهنگی در واقع تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است. دیپلماسی فرهنگی به یک کشور امکان می دهد که فرهنگ، جامعه و مردم خود را به دیگران معرفی کند و با طریق فزونی بخشیدن به ارتباطات خصوصی بین مردم کشورهای گوناگون، کشورها را قادر می سازد که ایده آل های سیاسی و سیاست هایشان را در انظار افکار عمومی بسیار جذاب نشان دهند. هدف اساسی دیپلماسی فرهنگی ارائه ی دیدگاه روشن و موجّه نسبت به فرهنگ ارزشی و رفتاری یک بازی گر برای بازی گران مختلف عرصه ی بین الملل شامل دولت ها، سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی، نهادهای جوامع مدنی و افکار عمومی است. (عسگریان و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۳) بنابراین، انجمن های دوستی با تقویت دیپلماسی فرهنگی به کشورها اجازه می دهد که با استناد به عناصر کلیدی و نفوذ دولتهای خود، به طور مستقیم با مخاطبان خارجی، به انضمام مردم معمولی و رهبران افکار در ارتباط باشند. نفوذ بر روی توده های خارجی و آوردن آنها به صحنه بین المللی، به منظور فراهم آوردن تاثیر موثر به دولتهای آنها، در نظر گرفته می شود و به مدیریت فرهنگی در کشورهای مختلف به منظور تامین منافع ملی می پردازد. (خرازی، ۱۳۸۸: ۱۰۷) توضیحات نشان می دهد که رابطه بین

انجمن دوستی و پویایی دیپلماسی فرهنگی با منافع ملی این گونه است که دیپلماسی فرهنگی با افزایش زمینه گفتگو با مخاطبان خارجی و ایجاد بافت موقعیتی بین المللی توانا، وظیفه استراتژیک خود را در راه ارتقاء منافع ملی واقعی در صحنه بین المللی به انجام می رساند. واقعیت این است که دیپلماسی فرهنگی برای هدایت سیاسی خارجی کشورها به سوی دستیابی و حفظ منافع ملی غیرقابل اجتناب و حیاتی می باشد. (سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴: ۱۲)

حضور بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی در پرتو کنشگری انجمن های دوستی می تواند دیپلماسی فرهنگی را در تعریف و ترویج ارزش ها و منافع مشترک و جهان شمول حمایت نماید و سپس، تأمین منافع ملی در چارچوب این ارزش ها و منافع مشترک تحقق خواهد یافت و در این صورت قدرت آفرین نیز خواهد بود؛ اما همه این ها زمانی متحقق می شود که کشور صادرکننده فرهنگ خود از پیش نیازهای اولیه و لازم در توانایی های درونی کشور خود برخوردار باشد. (سیمبر، ۱۳۹۶: ۴۷)

#### ۴- کارکردهای انجمن دوستی در ارتقاء دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

انجمن های دوستی ایران در عرصه منطقه و جهانی می تواند دستاوردهای زیر را به ارمغان بیاورد؛

##### ۴-۱. گسترش دوستی در سطح بین المللی

دوستی لازمه هر کنش سیاسی است. (اکوانی، ۱۳۹۴: ۱۱۵) در این میان، گسترش و تحکیم روابط دوستی و همکاری بین ایران و کشورهای مورد نظر از جمله اهداف انجمن های دوستی می باشد (حسنی، ۱۳۸۰: ۶۵) برای برقراری دوستی، صلح و همکاری بین المللی نیز انجمن های دوستی باید تلاش نمایند هنجارهای مقوم و تنظیم کننده نظام بین الملل را به گونه ای تغییر دهند که کشورها، اندیشیدن و عمل کردن بر مبنای رئالیسم را متوقف سازند. برای رسیدن به چنین نظام دوستی ای در روابط فرهنگی بین المللی، باید هویت و منافع

کشورها را تغییر داد. به عبارت دیگر، باید تفکر و تصور آنها از خود و روابطشان را با دیگر کشورها تغییر داد. از آن جا که ادراکات و انتظارات بین‌الذهانی تعیین‌کننده رفتار کشورها است، پس برای برقراری دوستی، کشورها باید از تصور خود به صورت بازیگری ممتاز نیز دست کشیده و خود را به عنوان بخشی از یک اجتماع واحد با منافع مشترک تعریف کنند. در این شرایط نقش نهادهای غیردولتی همچون انجمن‌های دوستی چشمگیر می‌گردد. این نهادها همچنین می‌توانند بر فرایند شکل‌گیری انتظارات دو بازیگر از هم تأثیر گذارند. این فرایند، فقط شامل خلق محدودیت‌های بیرونی برای رفتار کنشگرانی نیست که به صورت برون‌زا شکل گرفته‌اند، بلکه عبارت از فرآیندی در مورد درک‌های جدید درونی کردن خود و دیگری و به دست آوردن نقش‌های هویتی جدید است. به عبارت دیگر، فرآیندی که با آن دولت‌های خودخواه و یکجانبه‌گرا یاد می‌گیرند همکاری کنند و منافع دولت‌ها از دید تعهدات مشترک نسبت به هنجارهای اجتماعی ساخت مجدد می‌یابند. این جریان در طول زمان، گرایش به آن خواهد داشت که وابستگی متقابل مثبت نتایج را به وابستگی متقابل فایده‌ها یا منافع جمعی تغییر شکل بدهد که درباره هنجارهای مورد نظر سازمان یافته‌اند. (شیرازی، ۱۳۹۶: ۲۹) در این زمینه می‌توان فعالیت‌های انجمن دوستی ایران در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد که گسترش مراودات این انجمن‌ها منجر به برگزاری نشست‌ها و همایش‌های دو یا چندجانبه با حضور مقامات ایرانی و کشورهای عضو شده است و در عین حال، نزدیکی ملت‌ها را به همراه داشته است. در این زمینه فعالیت انجمن دوستی ایران و گرجستان به گسترش مراودات علمی دو جانبه، حضور مقامات دو کشور در مراسم و اعیاد ملی، گسترش انجمن‌ها و مراکز ایران پژوهی، ایجاد کرسی‌های علمی مربوط به گرجستان در مجامع علمی ایران، ترویج گردشگری و صنعت توریسم بین دو کشور و... کمک زیادی کرده است. مجموع این اقدامات، نزدیکی و دوستی ملت‌ها را به همراه خواهد داشت. علاوه بر این، انجمن دوستی ایران و روسیه بر توسعه و تحکیم روابط و دوستی میان

مردمان ایران و روسیه از طریق برقراری ارتباطات فرهنگی، علمی، دینی، ورزشی و انسانی بین دو کشور تاکید دارد و این مسئله می‌تواند گسترش سطح دوستی در مراودات بین‌المللی ایران با سایر کشورها را به همراه داشته باشد.

## ۲-۴. تصویرسازی ملی و برندسازی ملت ایران

امروزه تصویر و دلالت‌های ضمنی متضمن آن، ذهنیت و به‌طور کلی برچسب خوشایند، یکی از اهداف اساسی هر سازمان، شخص یا حرفه‌ای است. به‌طور کلی، تبلیغات سیاسی و مدیریت تصویر سیاسی یکی از اصول اساسی دموکراسی‌های رایج و مدرن بوده است. طرح‌ریزی تصویری عمومی، نیاز به کنترل دقیق اطلاعات دارد. مفهوم برندسازی در بازاریابی که به معنای عمومی برچسب‌خوردن کالا و شناخته‌شدن محصول تولیدی توسط آن برند است، نیز بر اساس همین معانی وارد چرخه سیاست و متعاقباً بازاریابی سیاسی شده است. الگوی ارتباطات سیاسی با استفاده از برندسازی، تصویرسازی و بازاریابی سیاسی سبب تغییر الگوهای قدیمی ارتباطات سیاسی سخت‌افزاری و گسترش مشارکت می‌شود. در واقع، خروجی اساسی برندسازی و بازاریابی سیاسی، تولید و گسترش معنای مشارکتی سیاست در جوامع مدنی است. (حسینی و بیدالله‌خانی، ۱۳۹۴: ۹۱۵) در این راستا، سیاست فرهنگی جدید، پروژه برندینگ و تصویرسازی ملی را از اهداف اساسی اش قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران توانسته با سیاستگذاری فرهنگی برآمده از انقلاب، دین را محور برندینگ ملی خود در دنیا کند و بر اساس آن به مدیریت شهرت بین‌المللی خود بپردازد. بعد مهمی که باید در نظر گرفت، تاکید بر گفتمان اعتماد به نفس ملی و توان داخلی برای گسترش برندینگ ملی دین محور و تصویرسازی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آن است. امروزه اکثر ملت‌ها در اقصی نقاط دنیا اهمیت به روزرسانی هویت ملی خود و بازسازی تصویر ملی‌شان را از اهداف اساسی و استراتژیک سیاست فرهنگی، هنری، اقتصادی و سیاسی خود اعلام کرده‌اند. در ارتباط با سیاست فرهنگی، فرآیند اعتماد به نفس ملی به عنوان مبنای پایه‌آغازین خود باوری

ملی و هویت ملی مستحکم از اصول اولیه و پایه ای پروژه برندینگ و تصویر ملی می باشد. اکثر کشورها امروزه به سیاست فرهنگی اهمیت می دهند چرا که به ترویج و بازسازی تصویر و برند ملی اشان اهمیت می دهند. ایران امروز بر مبنای سیاست فرهنگی انقلاب و برندینگ ملی دین محور خود حوزه نفوذ خود را گسترش داده است. پایه اساسی این برندینگ ملی دین محور و گسترش نفوذ، اعتماد به نفس ملی شهروندان ایران و اتکاء به توان داخلی بر مبنای دین است. دین اسلام امروز به عنوان برند ایران و ایرانی گری در اقصی نقاط دنیا باعث شهرت بین المللی ایران به خصوص در کشورهای مسلمان جهان است. این گسترش شهرت بدون اعتماد به نفس ملی ایرانیان و اتکاء به توان داخلی امروز نمی توانست گسترش یابد. از منظر پیشینه تاریخی، برند ناسیونالیستی ایران قبل از انقلاب جنبه داخلی نداشت و به سمت بیرون جهت گیری شده بود و بر همین مبنای خیلی زود شکست خورد؛ چرا که توان داخلی را دست کم گرفته بود و هویت ملی داخل را طوری طراحی کرده بود که در تمام جوانب و مسائل به خارج چشم دوخته باشند. اما امروز برند دین محور جمهوری اسلامی با تاکید بر خودباوری، عزت نفس و استقلال توانسته است تصویر ایران را در دنیا گسترش دهد و باعث عزت نفس و سربلندی ایرانیان شود و همزمان امکانات رشد و گسترش منافع بلند مدت ایرانیان در اقصی نقاط دنیا را نیز فراهم کند. (بیدالله خانی و کهرازه، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۱۲۷) در این میان، دیپلماسی موفق در عرصه جهانی باید از ظرفیت سمن ها (سازمان های غیردولتی و مردم نهاد) نظیر انجمن های دوستی برای ایجاد، اعتبار، اعتماد و دست یابی به اهداف ترسیم شده در دستگاه سیاست خارجی بهره بگیرد. (متقی و شایسته، ۱۳۹۶: ۳۳)

باید توجه داشت که رفتارها از نظر بسیاری از مکاتب از جمله سازه انگارها بیشتر بنیان شناختی دارند تا رفتاری؛ زیرا شناخت بین الاذهانی ساختار هویت و منافع، یعنی ساختار بازی را به مثابه امری برون زا نسبت به خود تعامل تعریف می کند و این تعامل نمونه ای از آن قرار می گیرد. انجمن های دوستی می تواند در تولید و بازتولید این شناخت بین الاذهانی

کشورها کمک شایانی نماید. چراکه این نهادها از طریق سازوکار زیر می‌توانند نسبت به تولید و اصلاح تصاویر ذهنی بازیگران نسبت به هم ایفای نقش نمایند. با توجه به این که ساختارها به رفتار بازیگران اجتماعی و سیاسی، اعم از افراد و کشورها شکل می‌دهند، انجمن‌های دوستی می‌توانند در تولید و اصلاح ساختارهای هنجاری یا عقیدتی بازیگران نسبت به هم موثر باشند. ساختارهای هنجاری می‌تواند تعیین‌کننده هویت بازیگران و مبنای شناخت آنها از خود و دیگری باشد و بدین ترتیب موجبات هویت‌سازی طرفین گردد. از این منظر، انجمن‌های دوستی سبب می‌گردد، بازیگر با انتخاب همکاری در یک وضعیت معماگونه اجتماعی به طور ضمنی هویتی جمعی را می‌پذیرد و به گونه‌ای عمل می‌کند که گویی به دیگری اهمیت می‌دهد. اگر دیگری به عمل متقابل دست بزند، هویت موقت و آزمایشی خویشتن تقویت می‌شود و در طول زمان، هویت جمعی هر دو طرف درونی می‌گردد. به عبارت دیگر، این اقدام انجمن‌های دوستی موجب می‌شود؛ هر کنش‌گر با عمل به گونه‌ای که گویی هویتی جدید دارد و آموزش به دیگری در این مورد که چه باید بکند تا به حفظ آن هویت کمک شود، یاد می‌گیرد که خود را در آینه دیگری ببیند و برداشت خود را از هویتش تغییر دهد. این یادگیری پیچیده است و نه تنها به معنای آفریدن هنجارهای تنظیم‌کننده برای هویت‌های مسلّم است، بلکه هنجارهای تکوینی برای هویت‌های جدید خلق می‌کند. اگر یادگیری پیچیده در تعامل جریان داشته باشد، تأثیر وابستگی متقابل عمیق‌تر می‌شود. در این راستا، سازه‌انگاران استدلال می‌کنند برای برقراری صلح و همکاری بین‌المللی باید هنجارهای مقوم و تنظیم‌کننده نظام بین‌الملل را به گونه‌ای تغییر داد که کشورها اندیشیدن و عمل کردن بر مبنای رئالیسم را متوقف سازند. برای رسیدن به چنین نظام صلح‌آمیزی باید هویت و منافع کشورها را تغییر داد. به عبارت دیگر، باید تفکر و تصور آنها از خود و روابطشان را با دیگر کشورها تغییر داد. از آن جا که در این نظریه، ادراکات و انتظارات بین‌الذنهانی تعیین‌کننده رفتار کشورها است، پس برای برقراری صلح، کشورها باید از تصور خود به صورت بازیگران

خودپرست دست کشیده و خود را به عنوان بخشی از یک اجتماع واحد با منافع مشترک تعریف کنند. در این شرایط نقش نهادهای غیردولتی همچون انجمن های دوستی چشمگیر می گردد. این نهادها همچنین می توانند بر فرایند شکل گیری انتظارات دو بازیگر از هم تاثیر گذارند. این فرایند فقط شامل خلق محدودیت های بیرونی برای رفتار کنش گرانی نیست که به صورت برون زا شکل گرفته اند، بلکه عبارت از فرآیندی در مورد درک های جدید درونی کردن خود و دیگری و به دست آوردن نقش های هویتی جدید است. (کبریایی زاده، ۱۳۹۰)

فعالیت انجمن های دوستی در آفریقا، آسیای مرکزی و قفقاز و سایر کشورها می تواند به ارائه تصویر مطلوب ایران و جامعه ایرانی به ملت های هدف موثر باشد. این انجمن ها با فعالیت های تبلیغی و رسانه ای خود می تواند تصویر مطابق با واقعیت را از ایران به نمایش بگذارند و از این طریق، نزدیکی ملت ها با سیاست های ایران را به همراه داشته باشند.

### ۳-۴. همسوسازی جامعه هدف با برنامه و ایده های فرهنگی و سیاسی ایران

نکته مهم در ارتباط سیاسی و فرهنگی، تأثیر بر نگرش و رفتار است و تلاش ارتباط گر سیاسی که اعضای انجمن های دوستی هم می توانند جزئی از این فرایند ارتباط گیری سیاسی باشند، در استفاده از ابزارهای مختلف ارتباطی و کاربرد قوانین و تکنیکهای لازم نیز بر مخاطب تأثیر می گذارد و جامعه هدف را هماهنگ با برنامه ها و ایده های مدنظر می سازد و با کسب جلب افکار و آرای عمومی مردم، باعث می شود تا موقعیت کشور خود را تحکیم ببخشد و با گسترش سطح روابط فرهنگی و تعاملات بین المللی دوجانبه، به گسترش دایره قدرت خود بپردازد. (خاشعی و امامزاده جعفر، ۱۳۸۹: ۲۱) بررسی ها نشان می دهد که در اکثر پارلمانهای اروپایی، دستورالعمل مشخصی برای افزایش همکاری ها و هماهنگ سازی رایزنی ها بین گروههای دوستی و دستگاه سیاست خارجی آن کشور برقرار شده است تا از اقدامات غیرهمسو پیشگیری شود. در همین راستا، تقویت هم اندیشی بین رؤسای گروه های دوستی با مسئولین ذیربط در وزارت امور خارجه می تواند الگوی خوبی برای تعامل انجمن

های دوستی با دولت و مجلس در حوزه سیاست خارجی باشد. قطعاً این نوع تعامل ها و رایزنی ها می تواند دستاوردهای گروه های دوستی را تقویت کند. (حسینی و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۴) تقویت نظری و عملی انجمن های دوستی در داخل و همکاری متقابل با نهادهای مرتبط در سیات خارجی می تواند انجمن های دوستی را تقویت نماید و طراحی برنامه های راهبردی فرهنگی این امکان را فراهم می آورد تا انجمن های دوستی در کشورهای مشترک المنافع، ایده های فرهنگی و سیاسی منطبق با برنامه های سیاست خارجی ایران را ترویج نمایند و بتوانند خیلی از این برنامه ها را در جامعه هدف نهادینه سازند. علاوه بر این، توسعه برنامه های فرهنگی و سیاسی ایران در بین نخبگان جامعه هدف سبب همسوسازی رفتار سیاسی بین المللی کشور میزبان با سیاست های بین المللی ایران در راستای منافع جمعی می باشد که از جمله این برنامه ها، صلح جهانی، برقراری امنیت بین الملل، شکل گیری جهان عاری از خشونت، مهار سیاست خشن ابرقدرت ها و... می باشد. به عنوان یک نمونه عینی، باید به فعالیت انجمن دوستی ایران و استرالیا در خصوص کمک به درک متقابل فرهنگی بین دو کشور به همراه اشاره فرهنگ، تمدن و هنرهای ایرانی اشاره کرد که دستاورد این رویکرد می تواند همسوسازی جامعه استرالیا با اهداف و سیاست های خیرخواهانه و بشردوستانه ایران باشد.

#### ۴-۴. مدیریت افکار عمومی بین المللی

عقلانیت منطقی بازیگرانی همچون انجمن های دوستی با شناخت دقیق توانمندی ها و ظرفیت های خودی، انتخاب صحیح ابزارهای ممکن برای اعمال نفوذ، تجمیع و ترکیب منطقی و کارآمد ابزارها، ارزیابی صحیح نتایج و پیامدهای پس از عمل به منظور تکمیل دوره تأثیرگذاری تا رسیدن به وضع مطلوب و رهبری هوشمندانه محیط تعامل بین المللی می تواند به بهبود عملکرد سازمان های غیردولتی در مدیریت افکار عمومی کمک شایانی نماید. قدرت انجمن های دوستی در تعامل فرهنگی با شاخصه هایی از قبیل انتقال مفاهیم از طریق



سازوکارهای رسانه‌ای، مدیریت و مهندسی افکار عمومی، تصویرسازی مطلوب یا بازسازی چهره و وجهه تخریب شده در فضای کنش داوطلبانه، حکمرانی موفق به روش اقناعی، جلب مشارکت و همکاری سایر کارگزاران و نهادهای بین‌المللی، ائتلاف سازی مکرر برای کسب نفوذ در کنار بهره‌گیری از قدرت نرم، و سرانجام افزایش قابلیت‌های اقتصادی و استراتژیک، سنجیده می‌شود. (دهشیری، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۱) قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان اسلام زمانی می‌تواند تولید گفتمان سازی با افکار عمومی نماید که مستلزم قدرت سخت نباشد و بتواند به دور از محدودیت‌های قدرت سخت، در شرایط و فضای آزاد، تولید گفتمان محلی، منطقه‌ای و فراملی نماید و با سهولت، پیام خود را به افکار عمومی جهانیان برساند. مهم‌ترین سازوکارهای برآمده از قدرت نرم برای نیل به مدیریت افکار عمومی در سطح جهان اسلام عبارت از مطلوبیت سیاسی، ارزش‌های فرهنگی، پیام‌های انسانی و... می‌باشد. (موسوی، ۱۳۹۳: ۱۶۰) با توجه به این که رویکرد مثبتی در افکار عمومی کشورها و جوامع نسبت به مشارکت جویی، مشارکت دهی و مشارکت‌پذیری جوامع و نظام‌ها در تعاملات سیاسی و فرهنگی وجود دارد، فعالیت انجمن‌های دوستی ایران می‌تواند ضمن این که قابلیت خواهد یافت به بهبود تصویر کشور ایران نزد افکار عمومی سایر کشور پیردازد (رضایی و نژادلطفی، ۱۳۹۱: ۴۸)، می‌تواند بر امواج افکار عمومی بین‌المللی مدیریت نماید. البته در این مسیر، باید انجمن‌های دوستی توجه داشته باشند به دلیل اینکه بسیاری از اقدامات سمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی در روابط بین‌المللی، با افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی است در نتیجه اعتبار یک انجمن دوستی بسیار مهم است. با این مسئله، سمن‌هایی نظیر انجمن دوستی ایران با کشورهای دیگر باید از اقداماتی که اعتبارشان را کاهش دهد خودداری کنند. به همین دلیل، انجمن‌های دوستی تلاش می‌کنند خود را بی‌طرف نشان دهند ولی انجمن‌های دوستی در هر کشوری، اهداف خاص و جهت‌گیری‌های مشخص خود را دارند و نمی‌توانند بدون انگیزه، برنامه و اهداف ترسیم شده باشند. به هر

حال، به میزانی که انجمن های دوستی خود را بی طرف تر در روابط فرهنگی نشان دهند، مدیریت افکار عمومی، قدرت فرهنگی، نفوذ اندیشه و فکر به همراه توانایی بیشتر در چانه زنی کسب خواهند کرد. (شریفی و نشاسته سازان، ۱۳۹۷: ۱۴۳-۱۴۲) به عنوان مصداق، فعالیت انجمن های دوستی در کشورهای عربی نظیر عراق، پاکستان، لبنان و غیره کمک زیادی به مدیریت افکار عمومی داشته است زیرا با توجه به حجمه های تبلیغاتی غرب و سیاه نمایی شبکه های ماهواره ای مبنی بر دخالت ایران در کشورهای مزبور، این انجمن ها توانسته اند از طریق نشست ها و میزگردهای تخصصی به روشن سازی افکار عمومی در این کشورها پردازند و اهداف خیرخواهانه و صلح طلب ایران را برای آنها نمایان سازند و روند تخریب سازی افکار عمومی علیه ایران را مدیریت نمایند. از این رو، این انجمن ها با فعالیت ها خود می توانند به مقابله با فضای مسموم و عملیات روانی غرب و قدرت های منطقه ای علیه ایران همت گمارند.

#### ۴-۵. نمایش مطلوب میراث فرهنگی ایران و کمک رسانی به اهداف سیاسی

دیپلماسی فرهنگی شکلی از ارتباطات بین المللی است که در عرصه سیاست خارجی و ارتباطات عمومی در بعد خارجی مطرح است. در این میان، هنر و فرهنگ مهمترین عوامل برای ارتقای کشورها می باشند و کشورها به این موضوع واقف هستند که به نمایش گذاشتن میراث فرهنگی شان، فراهم کننده فرصتی برای نشان دادن آن کشور، خلق یک تصویر مثبت از آنها و در نتیجه کمک در دستیابی به اهداف سیاسی شان می باشد. (اژدری و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۲) البته با پیچیدگی و گسترش روابط بین الملل، وظایف و رسالت گروه های دوستی نیز افزایش یافته و فقط به اهداف سیاسی منحصر نشده است. برای مثال یکی از مهمترین اهداف گروه های دوستی در کنگره اسپانیا که در قانون آیین نامه داخلی به آن تصریح شده است، تقویت قرابت فرهنگی بین کشورهای اسپانیایی زبان است. در همین چارچوب، در جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به ماهیت غیررسمی گروه های دوستی، می توان از ظرفیت های آن

برای توسعه روابط سیاسی، فرهنگی و... با کشورهای دارای قرابت فرهنگی با ایران بهره برداری کرد. (حسینی و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۶-۱۵) انجمن های دوستی با توسعه همکاری های فرهنگی، برگزاری سمینارهای فرهنگی، تبلیغ میراث فرهنگی ایران، تشکیل کارگروه های مشترک با کشورهای دارای پیشینه مشترک تمدنی در حوزه میراث مشترک تاریخی، تدوین و توزیع کتاب های مربوط به میراث ایرانیان و... نمایش مطلوبی از میراث فرهنگی ایران در کشورهای مختلف انجام دهند و این مسئله در بعد فرهنگی می تواند بسترهای کمک رسانی به اهداف سیاسی ایران را فراهم کند زیرا با نزدیکی ملت ها با آرمان های جمهوری اسلامی، تحقق اهداف و آرمان های بین المللی ایران با مقاومت های کمتری انجام خواهد شد. به عنوان مصداق این مسئله می توان به برپایی همایش های مشترک اشاره کرد که در هفته میراث فرهنگی توسط انجمن های دوستی انجام می شود. در این زمینه، انجمن های زیادی فعال هستند و به عنوان نمونه می توان به ایجاد غرفه ها فرهنگی توسط انجمن دوستی ایران و تاجیکستان در هفته میراث فرهنگی اشاره کرده کرد که در کاخ سعدآباد برگزار گردید. در این رویداد فرهنگی، تلاش می شود تا میراث فرهنگی، معنوی، تاریخی و به تعبیر بهتر تمدنی مشترک بین کشورها نمایش داده شود و با توزیع محصولات فرهنگی نظیر سی دی، کتاب، بروشورهای تبلیغاتی، سخنرانی های مشترک و... بر میراث معنوی و تمدنی تاکید شود که این تاکیدات بر وجوه مشترک می تواند به نزدیک سازی افکار سیاسی دو کشور کمک شایانی نماید.

#### ۶-۴. همگرایی سیاسی و فرهنگی در جهان اسلام

همگرایی یکی از روش های تحقق اهداف و منافع مادی و غیرمادی دولت ها، در عرصه ی مناسبات بین المللی است. (زارع، ۱۳۹۰: ۱) دیپلماسی نوین و فعالیت انجمن های دوستی در افزایش همگرایی کشورهای اسلامی موثر هستند. شرایط و مقتضیات زمان، اشتراک در اهداف دینی، انسانی، منافع اقتصادی و مصالح سیاسی، از مهم ترین علل ایجاد کننده همگرایی جهان

اسلام در زمان حاضر است. (زارع، ۱۳۹۲: ۱۱۹) انجمن های دوستی ایران می توانند با تمرکز بر نقاط اشتراکی ایران با کشورهای اسلامی و دور کردن جوامع اسلامی از نقاط اختلافی، فرصت های همگرایی را در جهان اسلام افزایش دهند و این همگرایی به منفعت و مصلحت تمامی کشورهای اسلامی از جمله ایران است. انجمن های دوستی ایران در کشورهای اسلامی با برپایی نشست های آسیب شناسی همگرایی در جهانف اسلام، ترویج فرهنگ آشتی کشورهای اسلامی، افزایش آگاهی و بینش جریان های سیاسی منطقه ای در زمینه اتحاد جهان اسلام، تبیین آموزه های وحدت آفرین قرآن برای مقامات و نخبگان کشورهای اسلامی، تشویق کشورهای اسلامی به تعامل و همکاری های روزافزون و... بر روند همگرایی سیاسی و فرهنگی در جهان اسلامی تاثیر زیادی بگذارند و این نقش آفرینی توسط انجمن های دوستی ایران، می تواند چهره ای زیبا، انسان دوستانه، خیرخواه و حامی امت اسلامی از کشور ایران در اذهان و قلوب امت اسلامی به وجود آورد که دستاورد این تصویرسازی، قدرت فرهنگی ایران در جهان اسلام خواهد بود.

در این زمینه می توان به صورت مصداق محور، فعالیت های انجمن دوستی ایران و افغانستان را مورد اشاره قرار داد که با اعلامیه ها، پیام ها، همایش ها و مراودات دو جانبه تلاش دارند سطح همگرایی سیاسی بین نخبگان و جامعه دو کشور را ارتقاء بخشند. در این زمینه، انجمن دوستی ایران و افغانستان برای گسترش مراودات سیاسی مبتنی بر همگرایی نیز بر روی دیدار مسئولان سیاسی و فرهنگی دو کشور تاکید زیادی دارند و همواره نشست ها و گفتگوهای زیادی را تدارک می بینند که نقش مهمی در پیشرفت سیاسی در تعاملات سیاسی دو کشور دارد و می تواند سطح همکاری های سیاسی را در معادلات منطقه ای و بین المللی افزایش دهد. علاوه بر این، انجمن دوستی ایران و گرجستان در نشست های خود بر آسیب شناسی روابط بین دو کشور تاکید دارند و با آسیب شناسی موانع ارتقاء مراودات سیاسی، اقتصادی،

و فرهنگی، تلاش دارند تا فرصت های افزایش حضور دو کشور در معادلات سیاسی خود را فراهم نمایند و با فعالیت های خود، موانع همگرایی سیاسی را کاهش دهند.

#### ۷-۴. انتقال اندیشه ها و پیام های سیای و فرهنگی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی

#### ایران

ارزش های سیاسی و فرهنگی یک کشور می توانند منابع جذب و قدرتمندی یک کشور باشند. در واقع دولت ها با نفوذ دادن ارزش هایشان در سایر کشورها می توانند باعث جاذبه و یا دافعه خود شوند. ارزش هایی همانند دموکراسی، آزادی بیان، ترویج حقوق بشر و... همگی از ارزش های سیاسی قابل ایجاد جذابیت هستند. (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۳-۱۹۲) با این وصف، اگر دولتها بخواهند اولویتهای مخاطب یا بازیگران بین المللی را تنظیم کنند، باید قادر باشند تا در عرصه های بین المللی با آنها به تبادل عقاید و اندیشه پردازند. تنها در چنین میدانی، کنشگران قدرت نرم می توانند اولویتهای دیگران را فرم ببخشند. اما اگر مخاطب یا بازیگر ارتباطات، فرهنگ و ارزش های خود را در معرض نگذارد، پرواضح است که مورد تأثیر یا نفوذ قرار نمی گیرد. از طرفی دیگر، اگر فرهنگ، ارتباطات و ارزش ها برای مخاطب جذاب نباشد نیز هیچ شانسی برای تنظیم اولویت هایش وجود نخواهد داشت. فعالیت در بازار ایده ها نیز رقابت می طلبد و در چنین میدانی، شکست از رقیبان، تلاش برای توسعه قدرت نرم را تحلیل می برد. (خاشعی و امامزاده جعفر، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۹) بنابراین، ارتباطات میان فرهنگی با بهره گیری از ظرفیت های انجمن های دوستی، ناظر بر هر نوع اطلاعات و پیام مبادله شده میان شخص گیرنده پیام و منبع انتقال دهنده پیام است که ویژگی های متفاوتی از فرهنگ دریافت کننده پیام دارد. به عبارت دیگر، ارتباطات میان فرهنگی یک فرایند نمادین است که در آن مردم با فرهنگ های مختلف، معانی موردنظر خود را به اشتراک می گذارند. بنابراین، ارتباطات میان فرهنگی علاوه بر فعالیت های فرهنگی رسمی دولتها، شامل فعالیت های فرهنگی موسسات و نهادهای خصوصی و غیردولتی بخصوص انجمن های دوستی نیز

می شود. از مهمترین مصادیق ارتباطات میان فرهنگی در راستای انتقال اندیشه و پیام های انقلاب اسلامی از طریق انجمن های دوستی می توان به تلاش این نهادها در زمینه مشارکت و افزایش روند تبادل و ترجمه کتاب، نمایش فیلم، تولید برنامه های رادیویی و تلویزیونی به زبان مقصد، موسیقی، رسانه های اجتماعی، اعزام تیم های ورزشی، جذب توریست، اعطای بورسیه های تحصیلی، آموزش و ترویج زبان ملی، شرکت در کنفرانس های علمی، تبادل استاد و دانشجو میان دانشگاهها و موسسات علمی و تحقیقاتی و برگزاری نمایشگاههای مختلف فرهنگی از جمله در زمینه آداب و رسوم مردم یک کشور در کشور میزبان و... اشاره کرد. (جمشیدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۶) گسترش و پیوند دادن ارزش های مشترک ملی با تاکید بر تمدن فرهنگی می تواند یکی از کارویژه های انجمن های دوستی در ارتقاء قدرت فرهنگی ایران و توسعه دیپلماسی فرهنگی پویا باشد. در این راستا، گسترش ارزش های ملی یکی از اهداف اصلی دیپلماسی عمومی است و یکی از راههای پیشبرد ارزش ها، یافتن ارزشهای مشابه در دیگر فرهنگها و پیوند زدن میان آنهاست. بدیهی است تاکید بر ارزش های ناهمگون و ناسازگار با ارزش های پذیرفته شده جامعه بین المللی نتیجه عکس خواهد داد. البته این به معنی کنار گذاشتن ارزش های خودی نیست. هر فرهنگ و تمدنی دربرگیرنده ارزش های گوناگونی است که هر چیز به جای خویش نیکو است و این به معنای هضم شدن در برابر دیگران نیست؛ بلکه استفاده از عناصر فرهنگی به منظور ارتقاء منافع و امنیت ملی است و لازم به ذکر است که لازمه چنین کاری، ارائه تعریف مشخصی از ارزش های مورد قبول است. (متین فر، ۱۳۹۳: ۱) بنابراین، انجمن های دوستی باید پیام ها و اندیشه های ناب انقلاب اسلامی که در راستای وفاق بین المللی و باهم بودگی دولت-ملت ها است را ترویج کنند و از این طریق، ریل گذاری دیپلماسی فرهنگی ایران را تسهیل کنند و علاوه بر آن، قدرت نرم فرهنگی ایران در حوزه تمدنی ایران فرهنگی را افزایش دهند. در خصوص مصداق این مسئله باید به نقش انجمن دوستی ایران و لبنان در زمینه گسترش فرهنگ مقاومت به عنوان یکی از

سیاست های بین المللی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. این انجمن تلاش دارد با تاکید بر مولفه های تمدنی و دینی، فرهنگ مقاومت در برابر نظام سلطه را ارتقاء بخشد و همچنین با نشست های خود بر فرهنگ راهبردی ظلم ستیزی، دکترین مقاومت در برابر رژیم های غاصب و همکاری بین کشورهای اسلامی را فراهم آورد.

#### ۸-۴. اعتبار و اعتماد سازی

یکی از نتایج دیپلماسی فرهنگی، کسب پرستیژ، حیثیت، اعتبار و آبرو در صحنه بین المللی برای کشور است. (شهسواری فرد، ۱۳۹۶: ۳۹) به این معنا که جایگاه و موقعیت یک کشور در نظام جهانی بستگی به استفاده بهینه از قدرت نرم دارد. از این رو، موفقیت دیپلماسی عمومی نوین بستگی به موفقیت در ایجاد اعتبار و اعتماد در مخاطبین دارد. از آنجا که کنشگران مختلف نظیر انجمن های دوستی این فرصت را پیدا می کنند که خود در ایجاد پیام سهیم بوده و در عوض به دلیل مشارکت در تولید پیام مشروعیت آن را نیز پذیرا باشند، این امید وجود دارد که در سایه ارتباطات شبکه ای این انجمن ها در کشورهای مشترک المنافع اسلامی، اعتبار و اعتماد به طور موثر حاصل گردد. به علاوه ارتباطات شبکه ای انجمن های دوستی از رهگذر گفتگوی معنادار و تعامل رودررو و مستقیم می تواند در درازمدت اعتمادسازی کند. هرگونه تلاش جهت تحمیل معنا و ارزش منجر به آن خواهد شد تا طرف مقابل دست به مقابله به مثل زده و لاجرم این فرآیند به نفی درک متقابل منتهی گردد. البته نباید فراموش کرد که اعتماد و اعتبار از یک محیط به محیط دیگر فرق کرده و موضوعی پویا می باشد. بنابراین حفظ اعتبار تلاشی مداوم می طلبد. (موسوی خورشیدی، ۱۳۹۴: ۷۷) انجمن های دوستی می توانند با بهبود روابط ایران با کشورهای دیگر با تاکید بر روابط فرهنگی علی الخصوص برجسته سازی میراث تاریخی، فرهنگی و تمدنی در جهان اسلام، نوعی اعتماد در کشورهای اسلامی و حوزه تمدنی ایران به وجود آورند مبنی بر این که ایران قصد دخالت سیاسی در کشورهای منطقه را ندارد و رویکرد بین المللی ایران، همگرایی سیاسی و فرهنگی

در منطقه است. این رویکرد علاوه بر افزایش اعتماد نسبت به سیاست های بین المللی ایران، نوعی اجماع در خصوص حقوق بین المللی ایران، بهبود روابط بین المللی و گسترش تعاملات فرهنگی و سیاسی در روابط فی مابین ایران و کشورهای جهان اسلام می شود. (جوادی ارجمند و اسمعیلی، ۱۳۹۱: ۱۰۷) برپایه این استراتژی، دیپلماسی فرهنگی انجمن های دوستی از طریق ترکیب اطلاعات با آموزش و به منظور آشنایی مخاطبان خارجی با هنجارها و ارزش های ملی، موجب ایجاد روابط قوی و مبتنی بر اعتماد و صداقت می شود. برنامه های فرهنگی از این رو دارای اولویت بالاتری هستند که به تغییر شکل و اصلاح ساختار ارزشی جوامع مورد هدف منتهی می شوند و بر مبنای طرح های فرهنگی نهادهای غیردولتی، مردم کشورهای خارجی که در معرض دیپلماسی عمومی و فعالیت فرهنگی انجمن های دوستی قرار دارند، زمینه های همدلی بیشتری با کشور مبدا در کشورهای خود ایجاد کرده اند. (خرازی، ۱۳۸۸: ۱۱۶)

#### ۹-۴. کاهش دادن سطح تعارضات در تعاملات بین المللی

در عرصه تعاملات فرهنگی بین المللی، تنش زدایی یکی از رویکردهای مورد توجه نهادها در سیاست خارجی است. اگرچه شاید چنین به نظر برسد که نقش اصلی در تصمیم کشورها به تنش زدایی توسط رهبران و سیاست مداران گرفته می شود، اما مردم نیز می توانند در اتخاذ و پیگیری این سیاست نقش داشته باشند. هنگامی که افراد تصور و ادراک خود را نسبت به یک کشور تغییر می دهند شرایط را برای تصمیم رهبران جهت تغییر رویکرد نسبت به کشور مورد نظر فراهم می کنند؛ چراکه تصمیمات رهبران متأثر از افکار عمومی در جامعه است. لذا می توان گفت تنش زدایی میان کشورها به دو صورت امکان پذیر است. در یک حالت تنش زدایی میان رهبران و طبقه حاکمه دو کشور صورت می گیرد که می توان از آن با عنوان تنش زدایی از بالا نام برد و حالت دوم که ابتدا تنش زدایی میان مردم دو کشور صورت می گیرد و سپس به رهبران القاء می شود که می توان آن را تنش زدایی از پایین نام



نهاد. مهم ترین عامل تاثیرگذار در تغییر دیدگاه و ادراک مردم یک کشور نسبت به دیگری (تنش زدایی از پایین)، ارتباطات میان فرهنگی است که با افزایش آگاهی و شناخت ملت ها از یکدیگر و رفع سوء تفاهمات احتمالی، زمینه را برای مشروعیت تصمیم دولت ها به تنش زدایی با دیگری فراهم می کند. (جمشیدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۵) امروزه شاهد بروز خشونت ها، منازعات، و جنگ های متعدد از جمله منازعات فرقه ای-مذهبی در نظام بین الملل هستیم و برخی معتقدند که با تأکید بر نقش فرهنگ در روابط بین الملل و توسعه ارتباطات فرهنگی بین المللی می توان به مهار خشونت ها و منازعات نایل آمد. از همین رو، نقش سازمان های مردم نهاد نظیر انجمن دوستی که ماهیت اهداف و وظایف آن ها را فعالیت های فرهنگی تشکیل می دهد، در رفع زمینه های خشونت و منازعه، به ویژه منازعات فرقه ای-مذهبی در خاورمیانه برجسته می شود. این نهادها و انجمن ها می توانند کارکردهایی مانند فعالیت در زمینه گفت و گوی ادیان، گفت و گوی تمدن ها، و تقریب مذاهب اسلامی داشته باشند. (یزدانی و فرهنگ، ۱۳۹۴: ۳۱۳) به لحاظ تاریخی، پس از دو جنگ جهانی، شناخت مفهوم صلح و مؤلفه های آن به صورت قابلیت پایدار و تحلیل وضعیت روابط فی مابین کشورها به منظور جلوگیری از وقوع جنگ و یا توقف منازعات و درگیری های موجود از دغدغه های بشری بوده است. سازمان ملل در واقع در راستای برقراری صلح و امنیت بین المللی ایجاد گردید تا ابناء بشر در صلح و آرامش زندگی کنند و در همین راستا، سازمان یونسکو، ایده صلح جهانی را دنبال می کند. در واقع صلح پایدار بایستی با بهره گیری از روش گفتگو و مذاکره و ایجاد زیرساخت های لازم فرهنگی، استقرار و تداوم یابد تا تفاهم بر پایه مشترکات فرهنگی و تاریخی تحقق یابد. مقوله تبادل فرهنگی در عرصه بین الملل در دستیابی به بهبود و ارتقا روابط فی مابین دولت ها و ملت ها اهمیت والایی دارد. دیپلماسی فرهنگی، معرفی چهره واقعی یک ملت و ارزشهای آن و نیز اخذ همین مقوله از سایر کشورها و ملل مختلف را برعهده دارد و از رهگذر ابزارها و روشها و زیرساخت های فرهنگی زمینه

های صلح و دوستی میان ملت‌ها و توسعه همکاریهای فرهنگی مشترک را تسهیل و فراهم می‌آورد و حتی به نوعی بسترساز توسعه روابط و مناسبات اقتصادی کشورها می‌گردد. اساسنامه کمیسیون ملی یونسکو در ایران بر «مشارکت در فعالیت های یونسکو به منظور استقرار صلح و ایجاد تفاهم متقابل میان ملت ها از طریق اشاعه دانش و معرفت و اهتمام در امر نشر فرهنگ و آموزش» تاکید دارد و از آنجا که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در گستره روابط خارجی نیز از طریق فعالیت های فرهنگی در خارج از کشور اهتمام به نشر و ترویج چهره صلح طلبی دین اسلام می‌پردازد، لذا ترویج درک متقابل و همکاریهای فرهنگی تأثیر قدرتمندی بر ارتقاء صلح و همبستگی میان ملت‌ها خواهد گذارد. (وزین، ۱۳۹۷) با توجه به همین مسئله، امروزه بر نقش نهادها، هنجارها و قواعد در نظام بین الملل بسیار تأکید وجود دارد و نهادها از اهمیت زیادی در کاهش تعارضات و افزایش همکاری ها برخوردارند. از این رو، انجمن های دوستی تجلی عنصر همکاری میان دولت ها در انجام کارکردهای سیاسی و در عین حال ابزاری برای تداوم بخشیدن به آن همکاری هستند. بنابراین این اشکال نهادین می‌تواند نوعی همکاری در جهت اهداف دولت ها و در مسیر صلح جهانی باشند. از نظر «هاس» همکاری در حوزه سیاست ملایم آغاز می‌شود، اما او برخلاف «میترانی» اقتصاد و سیاست را از هم جدا نمی‌گیرد و به اهمیت سیاسی مسایل اقتصادی اذعان دارد. یکی از مفاهیم مورد استفاده هاس، «سرایت» یا «سرریزی» است. فرض او بر این است که ابعاد مختلف حیات اقتصادی به هم وابسته اند. در نتیجه هر اقدامی برای همکاری در یک بخش، مستلزم همکاری در بخش های دیگر می‌شود و همکاری از یک بخش به بخشی دیگر سرریز می‌کند. عکس آن نیز صحیح است؛ یعنی بروز مشکل در یک بخش می‌تواند همکاری در بخش های دیگر را نیز مختل نماید. انجمن های دوستی با چنین رویکردی می‌توانند همکاری را در بخش های موسوم به سیاست ملایم مانند اقتصاد، فرهنگ تسهیل نموده و از این طریق، گام های مستحکمی در جهت توسعه همکاری و سرایت به سیاست حاد میان کشورها برداشته

شود. انجمن های دوستی از طریق رویکرد ارتباطات، به فراکنش های بین کشوری و سود و زیان های همراه با آنها برای کنشگران، ارتباطات متقابل نخبگان، پاسخ گویی متقابل نخبگان، مناسب بودن نهادها برای اقدام کردن در مورد فشار فراکنشی و ارتباطی توجه می کنند و از این طریق به مانند گروه های فشار در گستره سیاست دولت ها عمل می کنند. (کبریایی زاده، ۱۳۹۰) با این اوصاف، روابط فرهنگی به عنوان ابزاری برای صلح مطرح است و اعتقاد بر این است که فرهنگ صلح با گسترش فعالیت های فرهنگی به دست می آید و تاکید بر روابط فرهنگی منجر به نوعی مفاهمه بین المللی می شود (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۲) و انجمن های دوستی در این زمینه می توانند رواج دهنده صلح و آرامش در سیطره منطقه ای و جهانی باشند و انجمن های دوستی ایران از این طریق می توانند چهره صلح طلب ایران را به جامعه جهانی نشان دهند و اهداف خیرخواهانه و مسالمت آمیز ایران را ترویج نمایند.

### نتیجه گیری

در این مقاله به بررسی پدیده انجمن های دوستی و نقش آنها در دیپلماسی فرهنگی ایران پرداختیم و برای پرداختن به این موضوع بعد از تشریح گذار دیپلماسی از سطح سنتی به مدرن، دیپلماسی فرهنگی را مورد مذاقه قرار دادیم و با شناسایی ماهیت و کارکردهای انجمن های دوستی در سطح بین المللی، نقش های این انجمن ها در توسعه دیپلماسی فرهنگی ایران در عرصه بین المللی را مورد سنجش و ارزیابی قرار دادیم. یافته های مقاله نشان می دهند که دیپلماسی فرهنگی ایران برای رشد و توسعه کارآمد و پایدار، نیازمند کنشگری بیشتر انجمن های دوستی در سیطره کشورهای مشترک المنافع و حتی جامعه جهانی است. انجمن های دوستی می توانند از طریق فعالیت های برنامه ریزی شده و در راستای مصالح نظام جمهوری اسلامی ایران، منافع ملت ایران را تامین نمایند و از میزان هزینه های دستگاه های دولتی در دستیابی به اهداف ملی و بین المللی بکاهند و در عین حال، قدرت فرهنگی ایران را در جهان اسلام فزونی بخشند. کارکردهای انجمن دوستی در ارتقاء دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران عبارت از؛ گسترش دوستی در سطح بین المللی، تصویرسازی ملی و برندسازی ملت ایران، همسوسازی جامعه هدف با برنامه و ایده های فرهنگی و سیاسی ایران، مدیریت افکار عمومی بین المللی، نمایش مطلوب میراث فرهنگی ایران و کمک رسانی به اهداف سیاسی ایران، همگرایی سیاسی و فرهنگی در جهان اسلام، انتقال اندیشه ها و پیام های سیای و فرهنگی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، اعتبار و اعتماد سازی، کاهش دادن سطح تعارضات در تعاملات بین المللی و غیره می باشد. در خصوص هر کدام از کارکردهای فوق باید اشاره کرد که رصد و پایش فعالیت های انجمن های دوستی نشان می دهد که اهمیت دادن به انجمن های دوستی می تواند نقش مهمی در سیاست خارجی ایران و فعال سازی دیپلماسی عمومی ایران در سطح منطقه و جهانی داشته باشد. به عنوان موردی باید اشاره شود که فعالیت انجمن دوستی ایران و افغانستان و برگزاری نشست های مشترک به

انتقال پیام های سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی کمک زیادی کرده است و منشورات و محصولات فرهنگی منتشر شده توسط این انجمن، بسترهای همگرایی فرهنگی بیشتری را با توجه به پیشینه مشترک تاریخی و تمدنی فراهم آورده است. در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز، انجمن های دوستی ایران با برگزاری همایش ها، میزگردهای تخصصی و نمایشگاه ها فرهنگی و علمی به نمایش مطلوب میراث فرهنگی ایران کمک زیادی کرده اند و با توجه به ریشه های زبانی، فرهنگی، تاریخی و حتی سیاسی مشترک در برخی از زمینه ها، فعالیت این انجمن ها منجر به انتقال پیام های سیاسی انقلاب اسلامی شده است و در این خصوص می توان به تولیدات مشترک علمی در خصوص گفتگوهای فرهنگی و سیاسی بین کشورهای قفقاز و ایران اشاره کرد که با توجه به گسترش میزگردهای تخصصی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بین ایران و این کشورها، بسترهای همسویی سیاسی و توجه به ارزش های سیاسی و انسانی انقلاب اسلامی فراهم شده است. انجمن دوستی ایران در کشورهای اروپایی به ارائه تصویر مطلوب از ایران در افکار عمومی بین المللی بسیار موثر بوده اند و علاوه بر رایزنی های اقتصادی، بسترهای تعامل فرهنگی بین نخبگان، مسئولان و نمایندگان پارلمانی این کشورها با انجمن های دوستی منجر شده است تا اهداف خیرخواهانه و صلح جویانه ایران که مترصد دست یابی به جامعه جهانی صلح طلب و عادلانه است، به اروپا نمایش داده شود و این نمایندگان که در تماس با انجمن های دوستی قرار دارند به عنوان سفیرهای فرهنگی ایران در ترسیم چهره ای جدید از ایران موثر هستند و با توجه به اطلاعاتی که در اختیار آنها قرار می گیرد می تواند چهره حقیقی ایران که کشوری حامی صلح، عدالت و توسعه انسانی در سطح جهانی است را به شهروندان غربی و اروپایی به نمایش می گذارد و این تصویرسازی، بخشی از زمینه های بازتولید قدرت نرم و معنوی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. انجمن های دوستی ایران در کشورهای اسلامی و منطقه بسترهای همگرایی سیاسی را فراهم می آورد. به عنوان نمونه، فعالیت مشترک انجمن های دوستی ایران

با پاکستان، افغانستان، عراق، سوریه، مصر و... منجر به برجسته شدن ارزش های سیاسی مشترک نظیر امنیت منطقه ای، گفتگوی مشترک سیاسی برای پیشبرد توسعه اقتصادی منطقه، اهمیت دادن به حمایت از امت اسلامی در برابر دشمنان خارجی، اهتمام به امور مردم فلسطین، تقویت گفتمان مقاومت و غیره می شود. علاوه بر این، فعالیت انجمن های دوستی در کشورهای غربی بسترهای اعتماد متقابل را فراهم می آورد و ایران می تواند از ظرفیت های موجود برای گسترش اعتبار بین المللی خود بهره بگیرد و همانطور که فعالیت های انجمن ها دوستی در کشورهای نظیر؛ نروژ، اسپانیا، آلمان، سوئد، فنلاند، آفریقای جنوبی و... نان می دهد روابط دو یا چندجانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بسترهای گسترش اعتبار بین المللی ایران و کاهش تاثیرات ایران هراسی توسط آمریکا و متحدانش می گردد و جامعه جهانی با ماهیت حقیقی انقلاب اسلامی و ارزش های فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران آشنایی بیشتری می یابند.

## منابع

- احمدی دکاء، ریحانه (۱۳۹۷)، *اصول دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها*، تهران: ادیبان روز.
- اژدری، لیلی و دیگران (۱۳۹۶) «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، تابستان، شماره ۳۸، صص ۱۰۲-۶۷.
- اکوانی، حمداله (۱۳۹۴)، «سیاست دوستی در گفتمان علوی»، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، دوره سوم، بهار، شماره ۹، صص ۱۳۵-۱۱۵.
- بیدالله خانی، آرش و یاسر کهرازه (۱۳۹۶) «برندینگ ملی دین و جمهوری اسلامی ایران»، *علوم سیاسی*، پاییز، شماره ۷۹، صص ۱۳۲-۱۰۳.
- جعفری، علی اکبر و ملیحه نیکروش (۱۳۹۴) «منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین»، *مطالعات قدرت نرم*، دوره پنجم، بهار و تابستان، شماره ۱۲، صص ۵۰-۲۹.
- جمشیدی، محمدحسین و دیگران (۱۳۹۵) «نقش ارتباطات میان فرهنگی در تصمیم کشورها به تنش زدایی»، *پژوهش های روابط بین الملل*، زمستان، شماره ۲۲، صص ۵۷-۳۵.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و مرتضی اسمعیلی (۱۳۹۱) «جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی زبان»، *سیاست*، دوره چهل و دوم، پاییز، شماره ۳، صص ۹۷-۱۱۳.
- حسنی، محمدحسن (۱۳۸۰) «نگاهی به نحوه تشکیل و فعالیت انجمن های دوستی»، *رویدادها و تحلیل ها*، دی ماه، شماره ۱۵۵، صص ۹۷-۱۱۳.
- حسینی، سیدحسین و سمیه زمانی (۱۳۹۵)، *مطالعات پارلمانی تطبیقی*، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

- حسینی، مجید و آرش بیدالله خانی (۱۳۹۴) «برندسازی و بازاریابی سیاسی»، سیاست، دوره ۴۵، زمستان، شماره ۴، صص ۹۳۶-۹۱۵.
- خاشعی، وحید و مهرداد امامزاده جعفر (۱۳۸۹) «ارتباطات سیاسی؛ درآمدی نظری بر مبادی ارتباطاتی قدرت نرم»، رسانه، سال بیست و یکم، تابستان، شماره ۸۲، صص ۴۴-۲۱.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴) «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دانش سیاسی، پاییز و زمستان، شماره ۲، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- خرازی، زهرا (۱۳۸۸) «تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر منافع ملی کشورها»، مدیریت فرهنگی، زمستان، شماره ۶، صص ۱۲۲-۱۰۷.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳) «جهانی شدن و نظام بین الملل»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، بهار، شماره ۱۴، صص ۴۴-۷.
- راوندی، رامتین (۱۳۸۵)، «انجمن‌های دوستی، عامل تأثیرگذار در فرهنگ»، سایت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، بیست و سوم مرداد.
- رضائی، علی اکبر و کامران نژادلطفی (۱۳۹۱) «نقش انجمن‌های دوستی در توسعه دیپلماسی فرهنگی»، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، زمستان، شماره ۴، صص ۶۹-۴۱.
- رفسنجانی نژاد، سیما (۱۳۹۷) «نقش آفرینی ایرانیان خارج از کشور در پیگیری اهداف دیپلماسی عمومی»، شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، بیستم مرداد.
- زارع، الهام (۱۳۹۰) نقش دیپلماسی نوین در همگرایی کشورهای اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه باقرالعلوم.
- زارع، الهام (۱۳۹۲) «نقش دیپلماسی نوین در افزایش همگرایی کشورهای اسلامی»، فرهنگ پژوهش، زمستان، شماره ۱۶، صص ۱۴۴-۱۱۹.



- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۸) «آشنائی با انجمن های دوستی»، اداره کل سازمان های بین المللی و موافقت نامه های فرهنگی در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- سیدان، غلامرضا (۱۳۹۸) «انجمن های دوستی پل ارتباطی توسعه مناطق آزاد»، نشست تخصصی انجمن دوستی ایران و هند، سیزدهم خرداد.
- سیمبر، رضا و احمد علی مقیمی (۱۳۹۴) «منافع ملی و شاخص های دیپلماسی فرهنگی ایران»، سیاست جهانی، بهار، شماره ۱، صص ۳۸-۷.
- سیمبر، رضا (۱۳۹۶) «انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی»، اندیشه سیاسی اسلام، زمستان، شماره ۱۴، صص ۶۷-۴۷.
- شریفی، حسین و محمدحسین نشاسته سازان (۱۳۹۷) «عملکرد سازمان های غیردولتی در امور انسان دوستانه»، سیاست خارجی، بهار، شماره ۱، صص ۱۶۲-۱۲۳.
- شهسواری فرد، شهره (۱۳۹۶) «ادبیات و زبان در دیپلماسی فرهنگی؛ از ضرورت تا واقعیت»، پژوهش بین الملل، زمستان، شماره ۲۵، صص ۴۳-۲۹.
- شیرازی، حبیب اله (۱۳۹۶) «دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن های دوستی در روابط بین الملل»، پژوهشنامه روابط بین الملل، تابستان، شماره ۳۸، صص ۲۵-۹.
- صالحی امیری، رضا و سعید محمدی (۱۳۹۵)، دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس.
- عسگریان، عباسقلی و دیگران (۱۳۹۳) «نقش زبان در گفتمان دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، تحقیقات سیاسی بین المللی، تابستان، شماره ۱۹، صص ۱۹۸-۱۶۳.
- کبریایی زاده، حسین (۱۳۹۰)، «نقش انجمن های دوستی در توسعه همکاری های بین دولتی»، سازمان های مردم نهاد و دیپلماسی فرهنگی، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

- گروه اقتصاد ایران (۱۳۸۷)، «دوستیابی انجمن‌های دوستی؛ جایگاه سازمان‌های غیردولتی در روابط بین‌الملل»، *اقتصاد ایران*، فروردین، شماره ۱۱۰.
- مایلی، رضا و مریم مطیعی (۱۳۹۵) «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره نهم، پاییز، شماره ۳۵، صص ۲۰۷-۱۹۰.
- متقی، ابراهیم و حمید شایسته (۱۳۹۶) «دیپلماسی عمومی ایران»، فصلنامه مطالعات *منافع ملی*، تابستان، شماره ۸، صص ۵۵-۲۹.
- متین فر، علی (۱۳۹۳)، «جمهوری اسلامی ایران و مفهوم دیپلماسی عمومی»، *تابناک*، هجدهم شهریور.
- موسوی خورشیدی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۴) «نقش دیپلماسی عمومی نوین در تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست*، تابستان، شماره ۶، صص ۸۶-۶۹.
- موسوی، صدرالدین (۱۳۹۳) «الگوی تحلیلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، *اندیشه سیاسی در اسلام*، پاییز، شماره ۱، صص ۱۷۸-۱۴۷.
- مومنی، میرقاسم (۱۳۹۴) «انجمن‌های دوستی حلقه مفقوده دیپلماسی ایرانی»، *خبرگزاری فارس*، بیست و دوم دی ماه.
- وزین، علیرضا (۱۳۹۷)، «نقش دیپلماسی فرهنگی در روند صلح پایدار»، *دیپلماسی ایرانی*، هفتم خرداد.
- یزدانی، عنایت‌الله؛ و محبوبه فرهنگ (۱۳۹۴) «نقش سازمان‌های فرهنگی در تأمین صلح جهانی مطالعه موردی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، *مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی*، زمستان، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۳۱.